

تلقی امت‌انگاران از امر به معروف و نهی از منکر

محمدکاظم کریمی*

مقدمه

اسلام بر پایه‌ای آموزه‌ها و معارف استوار است که رشد و سعادت جامعه انسانی در گرو تبعیت و به‌کارگیری آنها در زیست فردی و اجتماعی است؛ کسب شناخت درست در برابر این آموزه‌ها و جهد کافی برای عمل به آنها در چارچوب قوانین شریعت، برای همه پیروان و مکلفان امری ضروری است. یکی از آموزه‌های اسلام که قرآن کریم نیز با تأکید و تصریح بدان گوشزد کرده است، آموزه «امر به معروف و نهی از منکر» است، «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱: باید گروهی از شما مردم را به خیر دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند، اینان رستگاران‌اند. بر اساس مفاد آیات و روایات، امر به معروف و نهی از منکر نه پدیده‌ای فردی، بلکه اجتماعی و سبب صلاح و رستگاری همه امت اسلامی است.

واژه‌شناسی

واژه «امت» که ۶۵ بار در قرآن به گونه مفرد و جمع آمده است، در لغت به معنای گروه، جماعت، ملت^۲ و در اصطلاح گروه بزرگی از انسان‌هاست که در زمینه دین، زبان یا مکان دارای خصوصیات مشترک‌اند و تحت هدایت یک پیامبر قرار دارند.^۳ این مفهوم که در قرآن به مسلمانان اختصاص نیافته است، گاهی به معنای مردم^۴ و گاهی به معنای جماعتی از

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. آل‌عمران: ۱۰۴.

۲. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۳۳-۲۳۴، ج ۹، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۳۱ و ۵۰۵.

۴. بقره: ۲۱۳.

انسان‌هاست که با یکدیگر پیوند دینی دارند.^۱ بر همین اساس قرآن امت اسلامی را پیروان پیامبر خدا، امت میانه توصیف کرده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^۲ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه می‌باشد.

طبق بیان تفاسیر قرآن، «امت میانه» جامعه‌ای است که از نظر عقیده، اخلاق، عبادت، تفکر، روابط اجتماعی و به طور کلی در تمام ابعاد حیات انسانی جانب اعتدال و میانه‌روی پیشه خویش کرده‌اند. بر این اساس از نظر عقیده، مصون بودن از غلو یا شرک؛ از نظر ارزش‌های مادی و معنوی، گرفتار دنیا یا رهبانیت نشدن؛ از نظر علم و دانش، استفاده از علوم دیگران و جمودنورزیدن بر دانسته‌های خود؛ از نظر روابط اجتماعی، ایجاد روابط متقابل اجتماعی با دیگر امت‌ها و دوری از انزواطلبی یا خودباختگی فرهنگی از مصادیق میانه‌روی دانسته می‌شود.^۳ با توجه به چنین ویژگی‌هایی وظیفه آنان را امر به معروف و نهی از منکر تعیین کرده است. بنابراین شرط تحقق چنین امری برگزیده بودن و مصونیت از خطا و آلودگی است تا بدین طریق بتوانند الگو و شاهد برای رفتار دیگر مردمان باشند.

گفتنی است واژه معروف از ریشه «عرف» به معنای شناخته شده و مشهور، نیز نیکی و کار نیک و واژه منکر مشتق از «نکر» به معنای کار زشت، نامشروع، ناشناخته و ناپسند است.^۴ معروف در اصطلاح به کاری اطلاق می‌شود که حسن آن را عقل یا شرع شناخته باشد و منکر ضد آن و دربرگیرنده رفتاری است که شرع و عقل آن را ناپسند بشمارند.^۵

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر افزون بر اینکه از واجبات و ضروری دین است، به لحاظ عقل و منطق نیز اگر به درستی انجام پذیرد، می‌تواند به زدودن کژی‌ها و ناراستی‌ها در جامعه مدد رساند. هدف امر به معروف، اصلاح جامعه از ناراستی‌هاست. می‌توان گوشه عزلت برگزید و تنها به خویشتن اندیشید؛ ولی درد جامعه را دیدن و به اصلاح آن اندیشیدن و پای هزینه آن هم ایستادن، تنها صفت کسانی است که به پایداری امت اسلامی می‌اندیشند؛ بنابراین برای رفع کژی‌های آن

۱. آل عمران: ۱۱۰، بقره: ۱۴۳.

۲. بقره: ۱۴۳.

۳. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۸۹.

۴. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه‌های «معروف» و «منکر».

۵. گروهی از نویسندگان، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۱، ص ۶۵۹.

می‌کوشند. به همین سبب خداوند موضوع امر به معروف را نه ویژه افراد یا گروه خاص، بلکه وظیفه همه امت اسلام برای طی مسیر رشد و ترقی و رسیدن به سعادت بیان کرده است؛ چراکه با تلاش جمعی انسان‌ها و اهتمام و جدیت همگانی می‌توان امید داشت مسیر بهبود و اصلاح جامعه بر مدار درست قرار گیرد و ناراستی‌ها از آن رخت بر بندد.

یکی از شاگردان شهید آیت‌الله سعیدی می‌گوید: مدتی بود کسبه و معتمدین محل با مشکلی برخورد کرده بودند و آن ظاهر شدن زنی زیبا با لباس‌های زننده بود. او در آخر محله بود و هر روز به صورت زننده‌ای طول مسیر خیابان و محله را تا سر ایستگاه اتوبوس پیاده طی می‌کرد و نظر جوانان را به خود جلب می‌نمود. از آنجایی که محله غیائی با نفوذ آن شهید بزرگوار و همکاری مردم از خودنمایی زنان به این صورت زشت در امان مانده بود، این حرکت که تا حدودی حساب‌شده به نظر می‌رسید، قابل تحمل نبود؛ از این رو بعضی از مردم موضوع را با آیت‌الله سعیدی در میان گذاشتند. او آنان را از هرگونه عکس‌العملی باز داشت و منتظر ماند تا خود به امر به معروف اقدام نماید. روز بعد شهید با بعضی از اهل محل راه را بر این زن گرفتند و با لحنی پدرانانه شروع به موعظه او کرد و گفت: خواهرم دارند شما را گول می‌زنند؛ چرا شخصیت خود را فراموش کرده‌ای؟ جواب خدا را چه می‌دهی؟ سخنان آیت‌الله سعیدی چنان در روح آن زن اثر کرد که هیچ‌گاه او را در محله غیائی بی حجاب ندیدم.^۱

جایگاه امت در انجام امر به معروف و نهی از منکر

اکنون این پرسش مطرح است که امت چگونه و از چه طریق باید وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را سامان دهد؟ در پاسخ باید گفت طبق آنچه از آیه ۷۱ سوره «توبه» به دست می‌آید، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ایمانی همه امت است و به عنوان عنصر تعیین‌کننده ایمان آنان باید به انجام آن مبادرت ورزند:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۲

مردان و زنان مؤمن باور و دوست‌دار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت باز می‌دارند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنان‌اند که خدا به‌زودی مشمول رحمت‌شان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

1 <https://aghigh.ir/fa/news/5053/%D8>.

۲. توبه: ۷۱.

به قرینه اینکه خداوند جامعه ایمانی را دوست‌دار و یاور یکدیگر دانسته است، فهمیده می‌شود امر به معروف و نهی از منکر تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی به یکدیگر است؛ بنابراین نباید نسبت به عملکرد و سرنوشت یکدیگر بی‌توجه بمانند. همچنین از آنجاکه این فریضه پیش از امور مهم دیگر بیان شده است، نشان از اهمیت و برتری آن دارد؛ پس مهم‌ترین وظیفه مؤمنان و بارزترین ویژگی جامعه اسلامی و از وظایف اجتماعی مشترک میان زنان و مردان دانسته می‌شود. علامه طباطبایی اذعان می‌دارد مؤمنان به این دلیل که در ایمان به خدا و عقاید حقه اشتراک دارند، برای صلاح جامعه خود یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.^۱ امام محمد غزالی نیز با اشاره به اینکه نظام سیاسی همواره این وظیفه را تنها برای خویش محفوظ می‌دانسته و خود را نماینده امت در اجرای آن می‌پنداشته است؛ بیان می‌دارد اعتقاد عمومی چنین است که امت می‌تواند با نهادهای مدنی خود [و از جمله علما] حتی در برابر نظام سیاسی از حق دینی امر به معروف و نهی از منکر بهره‌گیرد.^۲

امام راحل رحمته الله فرمود:

«خدا رحمت کند شیخ ما مرحوم آقای شاه‌آبادی را - رضوان الله علیه - ایشان به من فرمود که: در آن زمان شدت، مقابل منزل ما یک دکانی باز شد که مثل اینکه چیزهای خلاف می‌فروخت، دکان بدی باز شد. من به رفقایم گفتم که شما یکی یکی بروید نهی‌اش کنید. یک روز قریب دویست نفر، یکی یکی صبح رفتند: سلام علیکم! و علیکم السلام! آقا، این دکان اینجا مناسب نیست؛ این رد شد، یکی دیگر آمد. تا عصر حدود دویست نفر رفتند به این آدم گفتند. تمام شد. برچید بساطش را».^۳

پیشگامی در عمل

امر به معروف و نهی از منکر زمانی اثر مطلوب می‌یابد که آمران و ناهیان خود به آنچه می‌گویند، عمل کنند و از آنچه باز می‌دارند، دوری جویند. گاهی مشاهده می‌شود اعضای جامعه دینی از عیب کار خویش غافل‌اند؛ اما عیب‌های دیگران را به روشنی تمام به نظاره می‌نشینند. نمی‌توان دیگران را به خوبی‌ها دعوت کرد؛ اما خود در عمل به آن ساعی نبود یا عکس آن عمل کرد. قرآن کریم مؤمنان را از چنین رفتاری برحذر داشته است و آن را ناسازگار با عقلانیت توصیف کرده

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۳۳۸.

۲. محمد غزالی، احیاء علوم‌الدین، ج ۲، ص ۲۷۳-۲۷۹.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۷.

است: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^۱: آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟

دعوت مردم به کارهای خوب و بی‌نیازانگاری خود از عمل به آنها امری ناپسند و سبب ناخشنودی خداوند است. به همین سبب قرآن کریم چنین نگرش و رفتارهایی را نکوهش و نزد پروردگار نابخشودنی توصیف کرده است: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۲: نزد خدا سخت ناپسند است که به آنچه می‌گویید، عمل نکنید.

ترک دنیا به مردم آموزند خویشتن سیم و غله اندوزند
عالم آن کس بود که بد نکند نه بگوید به خلق و خود نکند
عالم که کامرانی و تن پروری کند او خویشتن گم است که را رهبری کند^۳

سعدی می‌گوید: «یاد دارم که در ایام طفولیت متعبد بودمی و شب‌خیز و مولع^۴ زهد و پرهیز. شبی در خدمت پدر رحمة‌الله‌علیه نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مصحف^۵ عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته. پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای^۶ بگزارد؛ چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند. گفتم: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی به از آنکه در پوستین^۷ خلق افتی».

نبیند مدعی جز خویشتن را که دارد پرده پندار در پیش
گرت چشم خدا بینی ببخشند نبینی هیچ کس عاجزتر از خویش^۸

راهکارها و اقدام‌های عملی

توصیه به خوبی‌ها و منع از بدی‌ها تنها در جایگاه راهکاری موقت و ابتدایی از سوی اعضای

۱. بقره: ۴۴.

۲. صف: ۳.

۳. مصلح‌الدین سعدی، کتاب گلستان، باب دوم در اخلاق درویشان، حکایت ۳۸.

۴. مشتاق، شیفته.

۵. کتاب قرآن.

۶. نماز دورکعتی.

۷. کنایه از غیبت‌کردن و بدگویی از مردم.

۸. مصلح‌الدین سعدی، کتاب گلستان، باب دوم در اخلاق درویشان، حکایت شماره ۷.

جامعه کارساز و در جای خود لازم است؛ اما فراتر از آن باید با ورود و دخالت حکومت‌ها، تدابیر و برنامه‌هایی به اجرا در آید که جنبه بازدارندگی داشته باشد و با به‌کارگیری قوای جسمی و فکری افراد یا انجام حمایت‌های ضروری، فرصت‌های اشتغال به رفتارهای آسیب‌زا محدود گردد.

۱. گسترش خدمات تفریحی و رفاهی

برای انجام وظیفه جامعه اسلامی در برابر امر به معروف و نهی از منکر، دستور و تهدید بسنده نیست، بلکه باید با اقدامات عملی برای پیشگیری از افتادن در دام ناهنجاری‌ها و کژی‌ها در پی کشاندن اعضای جامعه به تفریحات سالم برآمد. گسترش مراکز تفریحی و وجود سرگرمی‌های مفید متناسب با نیاز گروه‌های مختلف جامعه از اموری است که برای مقابله با نواهی شرعی و آسیب‌های اجتماعی نقش مؤثری بر عهده دارند.

شهید مطهری در کتاب ده‌گفتار آورده است:

در یکی از شهرهای کوچک آمریکا، زنان به قماربازی گرایش شدید پیدا کرده بودند. ابتدا کشیش‌ها و روزنامه‌نویس‌ها و... تا توانستند راجع به بدی قمار سخن گفتند؛ ولی اثر نکرد. سرانجام شهردار به فکر افتاد و چند باشگاه و نمایشگاه هنری زنانه دایر کرد. بعد از دو سال که زنان در این مراکز سرگرم شدند، تمام آنان قمار را به کلی فراموش کردند.^۱

۲. حمایت از آسیب‌دیدگان

حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی و تدارک بسترهای مناسب برای مسئولیت‌پذیری آنان با هدف اصلاح امور جامعه از وظایفی است که بر دوش همگان به‌ویژه حاکمیت اسلامی است. به این سبب امام علی علیه السلام جامعه را در برابر منحرفان از مسیر حق، دارای مسئولیت می‌داند و ضمن تحریض حاکمیت اسلامی به حمایت و هم‌دردی با آنان، می‌فرماید: «وَ إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمُضْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ»^۲ آنان که گناه ندارند و به لطف خدا از آلودگی برکنارند، شایسته است که بر اهل گناه و معصیت رحمت آورند.

تفاوت است بین جامعه‌ای که آسیب‌دیدگان اجتماعی را برای زندگی به حواشی شهرها، برای تأمین خوراک به سطل‌ها و کیسه‌های زباله و برای استراحت به کارتن و قبر سوق می‌دهد، تا جامعه‌ای که مردمانش برای حمایت از این قشرها به کمک حکومت می‌شتابند و از استعداد و

۱. مرتضی مطهری، ده گفتار، ص ۸۸.

۲. شریف رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۰.

ظرفیت خود برای نجات این قشر بهره می‌جویند. تدارک مکان و سرپناه مناسب، ایجاد کمپ‌های ترک اعتیاد، حمایت از اشتغال معتادان پس از ترک اعتیاد، حمایت از نیازهای عاطفی آنان و به‌ویژه حمایت مادی و معنوی از خانواده‌های آنان از اموری است که با مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد قابل دسترسی است.

بر همین اساس امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله آورده است:

سزاوار است امر به معروف و نهی از منکر، در امر و نهی و مراتب انکارش مانند پزشک معالج مهربان و پدر باشفقت که مراعات مصلحت مرتکب را می‌نماید باشد. و انکارش لطف و رحمت برای او خصوصاً و برای امت عموماً باشد و قصدش را فقط برای خدای متعال و رضایت او قرار دهد و این کارش را از آلودگی‌های هواهای نفسانی و اظهار برتری خالص نماید و نفس خود را منزّه نداند و برای آن بزرگی یا برتری بر مرتکب نبیند، که چه بسا برای شخص مرتکب گناه ولو گناهان کبیره باشد، صفات خوب نفسانی باشد که مورد رضایت خدا می‌باشند و خداوند متعال او را به خاطر این صفات دوست دارد، اگرچه گناه او مورد بغض خداوند می‌باشد؛ و چه بسا امر و نهی عکس او باشد، اگرچه بر خودش پوشیده است.^۱

آسیب‌شناسی امر به معروف و نهی از منکر

در کنار اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، گاهی در مقام اجرا از سوی آمران به معروف و ناهیان از منکر برخی خبط و خطاهایی هرچند ناخواسته بر رفتار آنان عارض می‌شود که آثار مطلوب تلاش آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اینجا به یک نمونه مهم اشاره می‌شود: دایره امر به معروف و نهی از منکر نه زیست فردی که حیات اجتماعی انسان‌هاست؛ بنابراین افزون بر اینکه امری شرعی است، امری اجتماعی نیز است و به همه ابعاد حیات جامعه انسانی - از جمله کنش‌های اجتماعی - قابل تسری است. کنش اجتماعی هر چیزی است که در ارتباط متقابل با «دیگری» تحقق می‌یابد. «دیگری» ممکن است یک فرد مانند همسر، فرزند، یک دوست یا حتی یک دشمن باشد و ممکن است گروه یا جماعت بیشتری از انسان‌ها را فرا گیرد. از این نگاه، امر به معروف دعوت به همه خوبی‌هایی است که برای کمال و سعادت جامعه انسانی لازم است و شرع مقدس بر عمل به آنها دستور داده است. در برابر، نهی از منکر بازداشتن از همه امور ناپسندی است که به سعادت انسان‌ها آسیب می‌رساند و شرع مقدس بر ترک آنها تأکید نموده

۱ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۴۴، مسئله ۱۴.

است. بدین سان محدود کردن قلمرو امر به معروف و نهی از منکر تنها به یک حوزه یا حوزه‌های خاص و به حساب نیاوردن دیگر حوزه‌ها، خلاف مقتضای شریعت و مصداق عمل نکردن به تکلیف و در نهایت بی‌بهره‌گی جامعه اسلامی از آثار و نتایج مطلوب این فریضه است. شهید مطهری در مقام تبیین و توسعه مفهوم معروف و منکر، پس از تأسّف از اینکه این مفاهیم از معنای گسترده خود تنها به سوی برخی امور عبادی منحرف شده است، می‌نویسد: «اگر در منطق اسلام، امر به معروف و نهی از منکر آن اندازه توسعه نمی‌داشت، به ما نمی‌گفتند که: "بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَطَالِمُ وَ تُعَمَّرُ الْأَرْضُ وَ يَنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ"؛^۱ با این فریضه، واجب برپا می‌شود و راه‌ها امن می‌گردد و درآمدها حلال می‌شود و حقوق و اموال به زور گرفته شده، به صاحبانش بر می‌گردد و زمین آبادان و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و کارها سامان می‌پذیرد».^۲

فهرست منابع

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، [بی‌تا].
۳. خمینی، روح‌الله؛ تحریر الوسیله؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.
۴. _____؛ توضیح المسائل؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تحقیق محمد سیدگیلانی، قم: المكتبة المرتضویه، ۱۳۶۲ ش.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ ق.
۷. غزالی، محمد؛ احیاء علوم الدین؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. مطهری، مرتضی؛ ده‌گفتار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۹. معلوف، لوئیس؛ المنجد فی اللغة؛ چ اول، تهران: اسماعیلیان، ۱۳۶۲ ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۹۸.